

بررسی مسئله تعدد زوجات و ارتباط آن با فطرت زنانه - زهرا درویش،

طاهره سادات طباطبایی امین

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۵۱-۶۹

بررسی مسئله تعدد زوجات و ارتباط آن با فطرت زنانه

زهرا درویش*

طاهره سادات طباطبایی امین**

چکیده: یکی از دلایل جاودانگی و جامعیت اسلام، تطابق احکام آن با فطرت بشری است. برخی افراد این شبهه را مطرح کرده‌اند که جواز تعدد زوجات تا چهار همسر، با فطرت زن و حس انحصارگرایی او که تمایلی به حضور همسر دوم در کنار خویش ندارد، مغایر است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، با مطالعه منابع تفسیری و روایی فریقین و بررسی آیات و روایات ناظر بر مسأله، در پی دستیابی به پاسخ صحیح بوده و به این نتایج دست یافته است: با توجه به اهمیتی که اسلام برای حفظ بنیان خانواده در نظر گرفته، بنای اسلام بر تک همسری است و تعدد زوجات، به منظور حفظ جامعه از انحطاط و فساد در موارد ضرورت، تشریح شده و این حکم مغایرتی با فطرت زنانه ندارد. حس انحصارگرایی که در زنان نسبت به همسرشان وجود دارد، در راستای حفظ کانون خانواده بوده و این مسأله در آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، روایات، تفاسیر فریقین؛ زنان؛ تعدد زوجات؛ ازدواج موقت؛ فطرت.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی

تهران، خیابان سرهنگ سخایی z.darvish7@gmail.com

**دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران

Tabatabaei.amin@gmail.com

احکام و قوانین اسلام، مطابق آیات قرآن کریم، با فطرت انسان سازگاری و هماهنگی دارند. در حوزه اعتقادات، همه انسان‌ها به پرستش معبود گرایش دارند، اما مشرکان و کافران در یافتن مصداق، دچار خطا شده‌اند. اصول اخلاقی قرآن مطابق با فطرت و تمایلات درونی بشر است، همچون: تمایل به نیکی، عدالت خواهی و... احکام فقهی قرآن نیز مطابق و موافق فطرت است. خداوند در آیه ۳۰ سوره روم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَآكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» آفرینش بشر بر پایه فطرت الهی بوده، و با احکام دین و قوانین الهی در تضاد نیست.

یکی از احکام شرعی در باب خانواده، حکم جواز تعدد زوجات مردان می‌باشد. این مسئله موجب ناراحتی و حتی اعتراض برخی افراد نسبت به حکم شرعی شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که، آیا این امر با فطرت زنان و حس انحصارگرایی آنها مغایرت دارد یا خیر؟ در اینکه خداوند حکیم، تمام برنامه‌های هدایتی بشر را بر اساس حکمت، نازل کرده است و هیچ خلل و نقصی در احکام الهی وجود ندارد، جای شکی نیست. هدف این مقاله، رسیدن به فهم صحیح آیات و روایات ناظر بر مسأله است تا با فهم درست، شبهات و دغدغه‌های فکری در این زمینه برطرف شود.

پیشینه پژوهش

مسئله تعدد زوجات، در تفاسیر مختلف ذیل برخی آیات قرآن از جمله آیه ۳ و ۲۴ سوره نساء مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این زمینه تاکنون کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌هایی به رشته تحریر در آمده است؛ از جمله کتاب تعدد زوجات و مقام زن در اسلام از علامه سید محمدحسین طباطبایی، حقوق

خانواده (نکاح و انحلال آن) از حسین صفائی، پایان‌نامه بررسی فقهی و حقوقی تعدد زوجات از زهرا سلطانی، ۱۳۸۸، دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا، مقاله ازدواج مجدد در کشورهای اسلامی از فاطمه بداغی (فصلنامه مطالعات راهبردی زنان)، ۱۳۸۷، ش ۴۰، مقاله آیه تعدد زوجات، حکمی مطلق یا مشروط از مهدی حبیب‌اللهی (پژوهش‌نامه زنان)، ۱۳۹۴، ش ۲ و... همگی به بحث درباره این مسأله پرداخته‌اند.

در این آثار به ارتباط این حکم با حس انحصارگرایی زنانه که تمایلی به حضور همسر دوم در کنار خویش ندارند، اشاره نشده و یا به صورت جزئی بدان پرداخته‌اند. همچنین به بررسی این آیه، در کنار سایر آیات قرآنی در باب خانواده، توجهی نشده است و با نگاه یک بعدی، به آیات تعدد زوجات پرداخته‌اند. پژوهش حاضر درصدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی به این مهم پردازد و از این منظر کاری جدید و نو می‌باشد.

این مقاله، ابتدا به بررسی تفاسیر آیات مربوط به تعدد زوجات می‌پردازد و چرایی این مسأله را تبیین می‌کند. سپس با بررسی روایات موجود در باب غیرت زنانه و حس انحصارگرایی نسبت به شوهر و تطبیق با آیات مربوط به حوزه خانواده، با در نظر گرفتن تمامی گزاره‌های دینی، به یک نتیجه‌گیری منطقی و صحیح در زمینه تعدد زوجات و فلسفه آن و ارتباط آن با احساسات زنانه می‌پردازد.

۱. شرایط جواز تعدد زوجات در قرآن، و آراء مفسران

در ابتدا به بررسی آیات قرآنی ناظر بر بحث تعدد زوجات پرداخته می‌شود. اولین آیه مورد بحث، آیه سوم سوره نساء است که حکم مباح بودن و جواز تعدد زوجات تا چهار همسر را، برای آقایان مطرح می‌کند.

۱-۱. شرط عدالت و مفهوم آن در تعدد زوجات

خداوند متعال در آیه سوم سوره نساء می‌فرماید: «وَإِنْ حِفْتُمْ إِلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ حِفْتُمْ إِلَّا تَعَدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء/۳).

مقصود از عبارت «مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» این است که دو زن یا سه زن یا چهار زن بگیرید، نه اینکه دو و سه و چهار زن که مجموع آنها نه تاست بگیرید. (طبرسی، ج ۳، ص ۱۱) حرف واو در این بخش از آیه، تخییری است. (طباطبایی، ج ۴، ص ۱۶۷)

۱-۱-۱. شرط اجرای عدالت در تعدد زوجات

بعد از بیان تعداد زنانی که مردان، جایز به برقراری نکاح با آنان هستند؛ قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ حِفْتُمْ إِلَّا تَعَدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء/۳). این در صورت حفظ عدالت کامل است، اما اگر نمی‌توانید عدالت را رعایت کنید، به همان یک همسر اکتفاء کنید تا از ظلم و ستم بر دیگران برکنار باشید.

قبل از اسلام معمول بود که برخی از مردان حجاز، تاده زن و یا کمتر در اختیار داشتند، در نتیجه قادر به رعایت حقوق آنان نبودند. در نتیجه این آیه نازل شد. (طبرسی، ج ۱، ص ۲۳۵)

در تفاسیر، شرط اجرای عدالت را چنین شرح داده‌اند که، اگر می‌توانید بین چند همسر به عدالت رفتار کنید، تنها یک زن بگیرید و نه بیشتر، در این عبارت حکم مسأله را معلق به "خوف" کرد نه "علم"، فرمود: اگر "می‌توانید" بین چند همسر ... و نفرمود: اگر "می‌دانید" که نمی‌توانید عدالت برقرار کنید. علتش این است که در این امور- که وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی اثر روشنی در آن دارد- غالباً علم برای کسی حاصل نمی‌شود و قهراً اگر خدای تعالی قید علم را آورده بود مصلحت حکم، از بین می‌رفت. (طباطبایی، ج ۴، ص ۱۶)

باید دانست که تعدد زوجات برای مردان امری مباح در اسلام محسوب می‌شود و نه حتی مستحب، ولی هنگامی که فردی قصد برقراری نکاح با چند همسر را داشته باشد، رعایت عدالت و جنبه‌های حقوقی آنان به طور یکسان، براو واجب می‌شود.

۱-۲. مفهوم عدالت درباره همسران

شک نیست که «عدالت» در محبت‌های قلبی، خارج از قدرت انسان است. چه کسی می‌تواند محبت خود را که عواملش در بیرون وجود اوست، از هر نظر تحت کنترل درآورد؟ به همین دلیل رعایت این نوع عدالت را خداوند واجب نشمرده و در آیه ۱۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ»؛ شما هر چه بکوشید، نمی‌توانید در میان همسران خود (از نظر تمایلات قلبی) عدالت و مساوات برقرار سازید.

بنابراین محبت‌های درونی، مادامی که موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر از جنبه‌های عملی نشود ممنوع نیست. آنچه مرد موظف به آن است، رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است. از جمله آثار رعایت عدالت در تعدد زوجات، حق مضاجعت (هم‌خوابگی) و حق قسم (تقسیم شب‌ها میان همسران) است.

برخی افراد خواسته‌اند از ضمیمه کردن آیه فوق «فَإِنْ حَفِظْتُمْ إِلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» به آیه ۱۲۹ «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ» چنین نتیجه بگیرند که تعدد زوجات در اسلام مطلقاً ممنوع است، زیرا در آیه نخست آن را مشروط به عدالت کرده و در آیه دوم عدالت را برای مردان در این مورد امری محال دانسته است، ولی اینان سخت در اشتباهند. زیرا همان طور که اشاره شد، عدالتی که مراعات آن از قدرت انسان بیرون است عدالت در تمایلات قلبی می‌باشد، در حالی که شرط

اجرای عدالت میان همسران، عدالت در جنبه‌های عملی است.

از روایات برمی‌آید که نخستین کسی که این ایراد را مطرح کرد، ابن ابی العوجاء از مادی‌گرایان معاصر امام صادق علیه السلام بود. وی این ایراد را با هشام بن حکم صحابی حضرتش در میان گذاشت، او که جوابی برای این سؤال نیافته بود از شهر خود به سوی مدینه (برای یافتن پاسخ همین سؤال) حرکت کرد و محضر امام صادق علیه السلام رسید و سؤالش را مطرح کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: منظور از عدالت در آیه سوم سوره نساء عدالت در نفقه (و رعایت حقوق همسری و طرز رفتار و کردار) است؛ اما منظور از عدالت در آیه ۱۲۹ (آیه مورد بحث) که امری محال شمرده شده، عدالت در تمایلات قلبی است. (بنابراین تعدد زوجات با حفظ شرائط اسلامی نه ممنوع است، نه محال). هنگامی که هشام از سفر بازگشت و این پاسخ را در اختیار ابن ابی العوجاء گذاشت، او سوگند یاد کرد که این پاسخ از خود تو نیست. (بحرانی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۹)

پس در آنجا که می‌فرماید: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» یعنی: اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل در محبت میان همسران خود رعایت کنید، لاقلاً تمام تمایل قلبی خود را متوجه یک نفر از آنان نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف درآورید. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۵۶)

مردانی که به تعدد زوجات روی می‌آورند، می‌بایست محبت خود را، حتی اگر نسبت به یکی از زنان بیشتر است، کتمان کنند و ابراز ظاهری محبت به صورت یکسان میان همسران باشد. همچنین زمانی که نزد یکی از همسران خود هستند، تمام وقت و توجه خود را معطوف به وی کنند. این مسئله تا حدودی، عدالت عاطفی را در میان همسران برقرار می‌کند. رعایت عدالت عاطفی میان همسران، از بروز حسادت میان زنان و ایجاد تفرقه و اختلاف خانوادگی در میان آنها جلوگیری

کرده و آرامش بیشتری را در محیط خانواده موجب می‌شود. همچنین برخی مسائل اخلاقی که در این باره، مورد نقد و ایراد برخی افراد نسبت به احکام تشریحی اسلام وارد می‌شود، برطرف می‌گردد. زیرا احکام دین اسلام در تمام موارد، رعایت اخلاق و دستورات اخلاقی را سرلوحه برنامه‌ها قرار داده است.

جمع‌بندی بحث عدالت میان همسران

از دو آیه مطرح شده، استنباط می‌شود که:

اولاً: تعدد زوجات امری مباح برای مردان می‌باشد و حتی استحباب آن نیز وارد نشده است. همچنین اجرای این حکم، مشروط به رعایت عدالت میان همسران است. همان‌گونه که خواندن نمازهای مستحبی هیچ وجوبی ندارد، ولی اگر فردی نماز مستحبی بخواند حق شکستن نماز را ندارد، در اینجا نیز با اینکه تعدد زوجات امری مباح است ولی با گرفتن زوجه دیگر، رعایت عدالت در جنبه‌های حقوقی آن بر مرد واجب می‌شود.

ثانیاً: اجرای عدالت میان همسران که در آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء مطرح شده، به قدری بر مرد دشوار است که تعبیر به «لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ» شده است. **ثالثاً:** در آیه ۳ سوره نساء، خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ حَفِظْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» یعنی ای مردان، حتی اگر ترس از عدم رعایت عدالت میان همسران داشته باشید، مجاز به گرفتن زن دیگر نمی‌باشید، پس ضرورت اجرای عدالت میان همسران در این آیات به خوبی روشن است. مردانی که قصد تعدد زوجات دارند، باید به مسئله اجرای عدالت میان همسران که رعایت آن، با دشواری و مشقت همراه است، توجه داشته باشند و تصمیم درست و منطقی در این باره بگیرند.

باید توجه داشت که جواز تعدد زوجات با اینکه در بعضی موارد یک ضرورت اجتماعی و از احکام مسلم اسلام محسوب می‌شود، اما تحصیل شرائط آن در امروز

با گذشته تفاوت بسیار پیدا کرده است. زیرا زندگی در سابق یک شکل ساده داشت و رعایت کامل مساوات بین زنان آسان تر بود و از عهده غالب افراد برمی آمد، ولی در زمان ما کسانی که می خواهند از این قانون استفاده کنند، باید مراقب عدالت همه جانبه باشند و اگر قدرت بر این کار دارند اقدام نمایند. اساسا اقدام به این کار نباید از روی هوی و هوس باشد. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۶۰)

۲. حکم ازدواج موقت در قرآن و آراء مفسران فریقین

مسأله ازدواج موقت، شباهت زیادی به تعدد زوجات دارد، از این رو جهت دستیابی به نتیجه کامل تر ضرورت دارد که مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. حکم متعه (ازدواج موقت) در آیات قرآن کریم

یکی دیگر از آیات ناظر به مسأله پژوهش، آیه ای است که درباره نکاح متعه یا عقد موقت می باشد: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/۲۴).

مراد از استمتاع مذکور در آیه، نکاح متعه است. (طباطبایی، ج ۴، ص ۴۳۲) مفسران گفته اند: لفظ تمتع که از ماده (متعه) می باشد، به معنای بهره گیری و نفع موقت و محدودی است که منقطع شود. بنابراین چون مدت ازدواج موقت، محدود و مضبوط می باشد، لذا از لفظ نکاح صرف نظر شده و لفظ استمتاع به کار رفته است تا بین نکاح دائم و ازدواج موقت تفاوت قائل باشد. (بلاغی نجفی، ج ۲، ص ۷۳) همچنین گروهی از صحابه همچون: ابی ابن کعب و عبد الله بن عباس و عبد الله بن مسعود این قسمت از این آیه شریفه را بدین نحو قرائت نموده اند: (فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمى فاتوهن اجورهن) این قرائت تصریح می کند بر این که منظور از این ازدواج، همان متعه یعنی ازدواج موقت می باشد. (طبرسی، ج ۳، ص ۵۲)

۲-۲. بررسی آراء مفسران فریقین پیرامون حکم متعه

علمای شیعه اجماعاً می‌فرمایند: آیه متعه محکمه بوده و هرگز نسخ نشده است. بنابراین حکم آن تا قیامت باقی خواهد بود.

نکته شایان توجه این است که در کتب روایی صحیحین، ازدواج موقت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد تایید واقع شده است. از جمله در جلد هفتم کتاب صحیح بخاری در ذیل عنوان: «کتاب الترغیب فی النکاح» آمده است: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا درباره انجام ازدواج موقت به شما اجازه داده است و این عمل برای شما جائز است.

کتاب صحیح مسلم، باب «نکاح المتعه» از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند: ما در عهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر و عمر ازدواج موقت می‌کردیم، سپس عمر ما را از انجام این عمل برحذر داشت. (نیشابوری، ج ۲، ص ۶۲۳) نظیر این روایت در جلد سوم مسند احمد حنبل نیز موجود است.

فخر رازی در ذیل تفسیر آیه مورد بحث می‌گوید: عمران بن حصین که از فقهاء و فضلاء صحابه به شمار می‌رفت، گفت: خدای علیم یک آیه درباره ازدواج موقت نازل کرد و آن را بوسیله آیه دیگری نسخ نکرد و پیامبر اسلام هم ما را به انجام این عمل مأمور نمود و هرگز ما را از ازدواج موقت نهی نفرمود. سپس مردی (یعنی عمر) آنچه را که برحسب رأی شخصی خویش از آن نهی کرد. (فخر رازی، ج ۱۰، ص ۴۱؛ نجفی خمینی، ج ۳، ص ۱۹۶)

۲-۳. نقد و بررسی ادله مخالفان ازدواج موقت

برخی علمای اهل سنت، با اعتماد به نقل‌های نامعتبر، حکم این آیه را منسوخ دانسته و متعه را حرام کرده‌اند. نظریه تحریم متعه که از سوی برخی فقها و مفسران اهل سنت مطرح شده؛ با استناد به ادله مخدوش است. اینجا سه دلیل بر ردّ این

نظریه ارائه می‌گردد:

۲-۳-۱. مستند نبودن به ادله معتبر

با توجه به عدم وجود روایات صریح از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خصوص تحریم متعه و همچنین با وجود اجرای آن تا دوران خلافت ابوبکر به عنوان حکم شرعی، هیچگونه تردیدی نیست که ازدواج موقت حرام نمی‌باشد. همچنین در اینکه این عمل مشروع را عمر بن خطاب حرام کرد و حتی نگفت: پیامبر اسلام آن را حرام نموده شکی وجود ندارد. روایات ناظر بر این موضوع، پیش‌تر بیان شد.

تشریح متعه مستند به قرآن و حدیث بوده، و دانشمندان و مفسران شیعه بر جواز آن اجماع دارند. البته این نوع ازدواج، با شرایط خاصی مباح و جایز است. حال که دلیل نقلی از آیات و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام دال بر حرمت این ازدواج وجود ندارد، چگونه علمای اهل سنت، ازدواج موقت را تنها به خاطر دستور یکی از صحابه (یعنی عمر بن خطاب) حرام اعلام کرده‌اند؟ اگر دستور صحابه حجّت است، چرا به دستور صحابی معصوم علی ابن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام که ازدواج موقت را حلال می‌دانست، عمل نکردند؟

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. وَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً.» (الکافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹) بر اساس این حدیث شریف، تا روز قیامت کسی حق ندارد احکام الهی را جابه‌جا کند. تبدیل حلال به حرام، بدعت شمرده شده و گناه بزرگی است.

۲-۳-۲. مخالفت عمر با متعه و پاسخ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام

منابع اهل سنت، مکرراً این روایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را در نقد عمل و رأی عمر بن خطاب نقل کرده‌اند. برای نمونه در تفسیر طبری، آمده است: «حدثنا محمد

بن المثنی، قال: ثنا شعبة، عن الحکم، قال: سألته عن هذه الآية: وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النَّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِلَىٰ هَذَا الْمَوْضِعِ: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ، أَمْسُوخَةٌ هِيَ؟ قال: لا. قال الحکم: قال علی رضی الله عنه: لولا أن عمر نهي عن المتعة ما زنى إلا شقی (طبری، ج ۵، ص ۹) در این روایت که از سایر صحابه و تابعان نیز در سلسله سند حدیث وجود دارد، نه تنها نسخ شدن این آیه را رد کرده، بلکه به روایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز اشاره کرده که: اگر عمر از متعه نهی نمی کرد، به جز شقی ترین افراد، کسی مرتکب زنا نمی شد. اگر به فرض، عمر براساس مصلحت جامعه اسلامی و براساس اینکه خلیفه مسلمین بود، حکم تحریم متعه را صادر کرده، در کلام حضرت امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، حرمت متعه به عنوان عاملی برای شیوع فحشا و زنا معرفی شده است؛ پس چگونه می توان ادعا کرد که تحریم ازدواج موقت به مصلحت جامعه اسلامی است؟

۲-۳-۳. رد ادعای نسخ آیه متعه

برخی افراد پنداشته اند که آیه متعه توسط آیات دیگر از جمله آیات ابتدایی سوره مؤمنون یا آیات مربوط به حکم طلاق زن، منسوخ شده است. در پاسخ باید گفت: نسخی صورت نگرفته است. زیرا شرط تحقق نسخ این است که موضوع آیات ناسخ، با موضوع آیات منسوخ یکی باشد و آیه ناسخ پس از آیه منسوخ نازل شده باشد. این شرایط در هیچ یک از آیاتی که مورد استناد اهل سنت در نسخ حکم متعه قرار گرفته، محقق نیست. بنابراین آیه ۲۴ نساء نسخ نشده است.

به عنوان مثال: آیه مؤمنون؛ صلاحیت این نسخ حکم آیه متعه را ندارد، برای اینکه آیه مؤمنون در مکه، و قبل از آیه متعه نازل شده است. در مکه متعه تشریح نشده بود چون آیه متعه در مدینه نازل شده است.

همچنین پنداشته اند که حکم متعه به وسیله آیات ارث و طلاق و آیه تعدد

زوجات نسخ شده است. این مسئله نیز صحیح نیست، زیرا نسبت بین آن آیات و آیه متعه، نسبت عام و خاص و یا مطلق و مقید است، نه نسبت ناسخ و منسوخ. (طباطبایی، ج ۴، ص ۲۶۷)

۳. فواید تشریح تعدد زوجات و ازدواج موقت

اسلام که دین فطرت و تعادل است، تعدد زوجات را بنابر مصالحی پذیرفته و برای آن شروطی قرار داده است. بنابراین اجرای این حکم در شرایط خاص خودش، فواید بسیاری برای جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه خواهد داشت. اینجا به سه فایده این دستورالعمل دینی اشاره می‌شود.

۳-۱. محدود کردن و چارچوب دادن به نظام زندگی زناشویی

اسلام، تعدد زوجات را اختراع نکرد، بلکه برای آن حدود و قیودی قرار داد. در اصطلاح می‌گویند: این حکم اسلام، تأسیسی نیست، بلکه تکمیلی است. با مطالعه وضع جوامع مختلف قبل از اسلام، در می‌یابیم که تعدد زوجات به طور نامحدود امری عادی بوده و حتی بعضی از مواقع بت پرستان به هنگام مسلمان شدن، بیش از ده همسر داشته‌اند، بنابراین اسلام آن را در چارچوب مصالح و ضرورت‌های جامعه انسانی محدود ساخته و برای آن قید و شرط‌هایی قائل شده و آن را ضابطه-مند ساخته است.

۳-۲. توجه به نیاز عاطفی و اقتصادی زنان بدون همسر

قوانین اسلام براساس نیازهای واقعی بشر دور می‌زند، نه تبلیغات ظاهری. مسئله تعدد زوجات نیز از همین زاویه در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. زنانی که همسران خود را به علل گوناگون از دست می‌دهند، معمولاً نمی‌توانند به عنوان همسر اول، مورد توجه قرار گیرند، و اگر مسئله تعدد زوجات یا ازدواج موقت در کار نباشد، آنها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۶۰)

۳-۳. راهکاری برای حفظ تقوا و عفاف در صورت فقدان شرایط ازدواج

برخی جوانان به دلایل مختلف مثل گذراندن طولانی مدت تحصیلات عالی یا نداشتن امکانات و شرایط مالی لازم برای ازدواج دائم، ممکن است تا سالیان متوالی فکر ازدواج را نکنند. از سویی غلیان شهوت در جوانی و ترس به گناه افتادن و گرفتار شدن در دام وسوسه شیطان، آنان را به دنبال راهکاری در جهت حفظ تقوا می‌اندازد. در چنین شرایطی، ازدواج موقت؛ می‌تواند راهکار مناسبی برای آنان باشد، زیرا تعهدات سنگین ازدواج دائم (از جمله نفقه) را ندارد و راحت‌تر از عهده آن برمی‌آیند.

۴. حس انحصارگرایی زنان و ارتباط آن با تعدد زوجات:

با توجه به مباحث مطرح شده، حکم شرعی تعدد زوجات در شرایط ضرورت، کاملاً منطبق بر عقل و فطرت بشر است. ولی گاهی در زنان، بر اثر شدت علاقه و عشق به همسر و زندگی مشترک، حس مالکیت و انحصارگرایی نسبت به شوهر مشاهده می‌شود. این حس در زن، مانع پذیرش حضور همسر دوم در زندگی مشترک می‌شود. البته باید توجه داشت که این احساس از فطرت آنها نشأت نگرفته و یک حس مشترک میان همه زن‌ها نیست. زیرا اگر امری فطری باشد می‌بایست در همه افراد نوع انسان مشترک باشد. حال اینکه ما شاهد پذیرش چندهمسری از سوی زنان سایر جوامع اسلامی همچون کشورهای عراق، عربستان و... هستیم. همچنین برخی همسران دوم و سوم این مسأله را متعارض با روحیات خود نمی‌دانند. ناراحتی و دلخوری همسر اول به این دلیل است که نگران از دست دادن شوهر بوده و می‌خواهد زندگی خود را حفظ کند.

گفتنی است هرچه بی‌عدالتی و بی‌درایتی مرد، بیشتر باشد، مقاومت زن اول افزون‌تر خواهد بود. اینجا باید شوهر با عشق و علاقه و رعایت عدالت و عدم

تحریک حسادت، همسران خود را براساس دستور آیات و روایات مدیریت کند. خطاهای مردان و زنان نباید موجب وهن به شریعت شود. لذا نگارندگان مقاله در مقام دفاع از لغزش‌های افراد به هنگام اجرای این حکم حکیمانه الهی نمی‌باشند. از سوی دیگر در برخی روایات، وجود غیرت در زنان نفی شده و در برخی دیگر، غیرت (حسادت) زنانه امری مذموم شمرده شده است.

عن أبی جعفر علیه السلام قال: «ان الله تبارک و تعالی لم يجعل الغیرة للنساء وانما جعل الغیرة للرجال لأن الله عز و جل قد أحل للرجل أربع حرائر وما ملکت یمینه، ولم يجعل للمرأة إلا زوجها وحده فان بغت مع زوجها غیره كانت عند الله تعالی زانیة وانما تغار المنکرات منهن فأما المؤمنات فلا.»

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی غیرت را برای زنان قرار نداده و تنها غیرت را برای مردان قرار داده، چون خداوند عز و جل برای مردان چهار زن آزاد و هر کنیزی را که مالک شود حلال ساخته است ولی برای زن تنها شوهرش را قرار داده است. در نتیجه اگر علاوه بر شوهرش دیگری را طلب کند نزد خدا زناکار محسوب می‌شود و تنها زنان زشت کردار غیرت نشان می‌دهند ولی زنان مؤمن غیرت‌شان تحریک نمی‌شود. (ابن بابویه، ج ۳، ص ۴۴۴؛ عاملی، ج ۷، ص ۸۲؛ طبرسی، ص ۲۳۹؛ عاملی، ج ۲۰، ص ۱۵۴) از امام صادق علیه السلام نیز روایت دیگری با همین مضمون آمده است. (کلینی، ج ۵، ص ۵۰۵؛ بروجردی، ج ۲۵، ص ۱۰۴۶؛ فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۲۱؛ مجلسی، ج ۸، ص ۳۸۴)

با وجود گزاره‌های قرآنی و روایی ناظر به تعدد زوجات روشن می‌شود که مسئله چند همسری مغایرتی با فطرت زنان و احساسات آنها ندارد، زیرا خداوند متعال امری برخلاف فطرت بشری نازل نکرده و وجود غیرت زنانه نیز امری ناپسند می‌باشد. البته در متون دینی بر حفظ کانون خانواده و افزایش صمیمت و محبت بین زوجین نیز تأکید فراوان شده است. از این رو لازم است حکم تعدد زوجات در کنار مجموعه آیات قرآنی مرتبط با مباحث خانواده، مورد بررسی قرار گیرد تا

نتیجه صحیح به دست آید.

۵. اصل در اسلام، بنای بر تک همسری

در آیات قرآن کریم، به رعایت جنبه‌های محبت و صمیمیت در خانواده و میان همسران، تأکید فراوان شده است. از نگاه قرآن، زن و مرد همچون لباسی برای هم می‌باشند که می‌بایست سبب زینت و محافظت از یکدیگر باشند: «هُنَّ لِيَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ هُنَّ» (بقره/۱۸۷) یا می‌فرماید: «وَ مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱)؛ هدف از ازدواج برقراری آرامش و مودت و رحمت است.

همچنین در آیه‌ای دیگر به مردان خطاب شده که با زنان به نحوی شایسته رفتار کنند: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹)

نظام اسلامی در بسیاری از تشریحات خود به عرف عام تکیه می‌کند، البته پس از آنکه آن را در یک چارچوب کلی برمبنای شریعت قرار می‌دهد. در باب زندگی زوجه و حقوق او، قانون‌گذاری اسلامی بر عرف، متکی است. یک زندگی اجتماعی مطلوب، علاوه بر شرع، باید با آداب معاشرت عرفی نیز هماهنگ باشد. کلمه (معروف) در قرآن کریم به معنای هر امری است که مردم در جامعه خود آن را بشناسند، و آن را انکار نکنند و بدان جاهل نباشند و چون دستور به معاشرت با زنان را با قید (معروف) مطرح کرد، پس به مردان دستور داده شده، به گونه‌ای با زنان خود تعامل و معاشرت کنند که آن گونه معاشرت در هنجارهای جامعه اسلامی، معروف و پسندیده باشد. (مدرسی، ج ۲، ص ۴۴)

بررسی آیات ناظر به طلاق نیز نتیجه مشابهی به دست می‌دهد. اگرچه اسلام آن را جایز شمرده، زیرا ممکن است ادامه زندگی مشترک میان زن و مرد، بنا به عللی که پیش می‌آید، غیر ممکن یا طاقت فرسا شود. در چنین شرایط استثنایی طلاق

تنها راه رهایی است. البته نگاه کلی قرآن به این مسأله سازش و صلح میان همسران است که در چندین آیه بدان اشاره شده است.

از جمله: آیات ۲۲۸ و ۲۳۲ سوره بقره و آیات ۱۹ و ۱۲۸ سوره نساء. «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمُ زَكَاةٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». (بقره/۲۳۲)

در روایات اسلامی، طلاق و فروپاشی خانواده، مذمت شدید گردیده و منفورترین حلال‌ها، نام گرفته است. به عنوان نمونه، امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: در بین حلال‌های خداوند، هیچ چیز در پیشگاه او مبعوض‌تر و ناخوشایندتر از طلاق نیست. (کلینی، ج ۶، ص ۵۵)

از مجموع این آیات و روایات، برداشت می‌شود که آنچه مد نظر اسلام و قرآن کریم است، حفظ بنیان خانواده می‌باشد. امروزه مسأله تعدد زوجات در جامعه ایران، آن هم در برخی نقاط و شهرها از سوی زنان، با اکراه مواجه است. از آنجایی که قرآن کریم، جامعیت پاسخ به همه نیازهای افراد را دربردارد و با توجه به آیه ۱۹ نساء که، رفتار شایسته با زنان را بر اساس عرف جامعه در نظر می‌گیرد، مشخص می‌شود که در چنین فضایی که عرف جامعه، به چند همسری مردان نگاه مثبتی ندارد و زنان از این مسأله رنج می‌برند، جز در موارد ضرورت و با رضایت کامل خود زنان این امر اتفاق نیفتد تا سلامت نظام خانواده و آرامش و محبتی که تک افراد خانواده به دنبال آن هستند، به خطر نیفتد.

به نظر بسیاری از بزرگان دین، اصل در دین مقدس اسلام، تک همسری است؛ تک همسری یعنی اختصاص خانوادگی، بدیهی است که روح زندگی زن‌اشویی که وحدت و یگانگی است، در زوجیت اختصاصی، بهتر و کامل‌تر پیدا می‌شود. استاد

مطهری می‌فرماید: «تعدد زوجات ناشی از یک مشکل اجتماعی است نه طبیعت ذاتی مرد» (مطهری، ص ۴۲۶) لذا اینکه برخی می‌گویند مرد تنوع طلب است و چند همسری فطری مردان است، مبنای عقلی و نقلی ندارد، زیرا عواملی که سبب می‌شود مرد به دنبال تنوع در همسران باشد، به نوع فطرت و سرشت مرد باز نمی‌گردد، بلکه این عوامل را آسیب‌های اجتماعی به وجود می‌آورند.

اگر مسأله تعدد زوجات و جواز آن برای مردان داده شده است، به این خاطر می‌باشد که اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، می‌بایست از یک نوع انعطاف-پذیری در احکام تشریحی برخوردار باشد تا در موارد خاص و ضرورت، حکمی خاص جاری کند. ولی در شرایط معمولی که نیاز منطقی برای وجود زوجه دوم در زندگی وجود ندارد، مرد می‌بایست به همسر خود اکتفا کند تا صمیمیت و محبت بین اعضای خانواده و شادابی و نشاط زوجه از بین نرود.

نتیجه‌گیری

۱. اگرچه در قرآن کریم، مجوز ازدواج با چهار همسر دائمی به مردان داده شده، ولی با توجه به مجموعه آیات قرآن در باب خانواده و اهمیتی که اسلام برای حفظ بنیان خانواده در نظر گرفته، این نتیجه به دست می‌آید که اصل در دین مقدس اسلام، تک همسری می‌باشد.

۲. اسلام که، آخرین و کامل‌ترین شریعت و پاسخگوی تمام نیازهای انسان در تمام اعصار است، جواز تعدد زوجات را صادر کرده تا این امر در موارد ضرورت و به منظور حفظ جامعه اسلامی از انحطاط و فساد در چارچوب دینی اتفاق بیفتد. همانگونه که در سایر احکام و قوانین دینی نیز، در مواردی که فرد در شرایط خاصی قرار می‌گیرد، احکام دین، راه چاره‌ای برای او قرار می‌دهد؛ مثلاً اصل روزه در ماه رمضان بر همه مکلفین واجب است، ولی اگر فردی توان جسمی برای روزه

گرفتن نداشته باشد، می‌تواند در سایر ایام سال و زمانی که توانایی جسمی پیدا کرد، قضای آن را بگیرد.

۳. مسئله تعدد زوجات، مشروط به رعایت عدالت در میان همسران از جنبه‌های اقتصادی و عاطفی است. البته رعایت عدالت به قدری دشوار است که قرآن کریم تعبیر به «لن تستطیعوا» کرده است.

۴. تعدد زوجات، با فطرت زنان مغایرت ندارد و حس انحصارگرایی زنان نیز در جهت حفظ کانون خانواده است که این مسأله در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- بروجردی، سید حسین. جامع احادیث الشیعة. تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
- بلاغی نجفی، محمد جواد. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. تهران: انتشارات ناس، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- _____ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليه السلام). تحقیق گروه حدیث آستان قدس رضوی، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- _____ الفصول المهمة فی اصول الائمه. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، حسن بن فضل. مکارم الأخلاق. ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: نشر فراهانی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات

ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

_____ تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

طبری، ابوجعفر. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

عیاشی، محمد بن مسعود. کتاب التفسیر. تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

فیض کاشانی، ملا محسن. تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

فخر رازی، ابوعبدالله. مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مکارم شیرازی، ناصر وهمکاران. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

مدرّسی، محمدتقی، تفسیر هدایت. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.

مجلسی، محمد تقی. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.

مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و هفتم، ۱۳۹۰ش.

نجفی خمینی، محمد جواد. تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج. صحیح مسلم. تصحیح محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره: دارالحدیث، ۱۳۴۸ق.